



اهل سنت و پیروی از دوازده امام (ع)

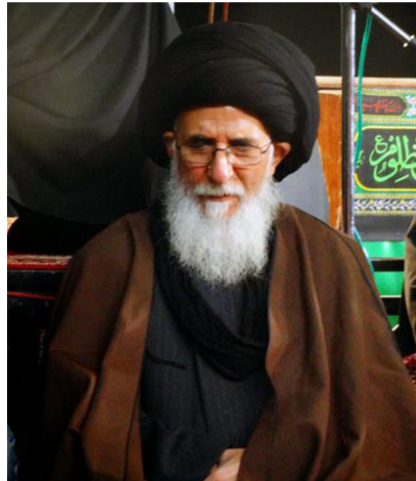
گرفته شده از کتاب تشیع چیست؟ و شیعه کیست؟ (قمست دوم)

تالیف فقیه اهل بیت آیت الله سید محسن حجت مد ظله العالی

شیعه شناسی

۶- روایاتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کتب معتبره برادران اهل سنت ما موجود است که دلالت آن بر امامت ائمه دوازده گانه و وجوب پیروی مسلمانان از آنان کاملاً واضح و روشن است. البته روایات منقوله در مجامع حدیثی برادران اهل سنت از نظر الفاظ، دارای اختلاف کمی هستند، اما همه آن احادیث یک معنا و مطلب را ارائه می دهند که مثبت امامت دوازده امام علیهم السلام بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله می باشد. مسلم در صحیح، کتاب امارت در باب اینکه مردم همه تابع قریش اند، به دو سند از جابر بن سمره نقل می کند که: ((دخلت مع ابي علي النبي صلی الله علیه و آله فسمعته يقول: ان هذا الامر لا ينقض حتى يمضي فيهم اثنا عشر خليفة. قال: ثم تكلم بكلام خفي علي. قال فقلت لابي: ما قال؟ قال: كلهم من قریش)). (۳) ((جابر بن سمره می گوید: با پدرم، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شدیم، شنیدم که آن حضرت می فرمود: این دین منقضی نمی شود و به آخر نمی رسد، تا اینکه دوازده خلیفه یکی بعد از دیگری خلافت نمایند و ارشاد و هدایت مردم را عهده دار شوند، جابر می گوید: بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخنی فرمود که من درست متوجه نشدم، از پدرم پرسیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله چه فرمودند؟ گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تمام آن دوازده نفر از قریش می باشند)). حاکم نیشابوری به سندش از مسروق روایت می کند که گفت: ((كنا جلوساً ليلته عند عبدالله يقرئنا القرآن فسأله رجل، فقال: يا ابا عبد الرحمن! هل ساءلتم رسول الله صلی الله علیه و آله كم يملك هذه الامه من خليفة فقال عبدالله ما سألني عن هذا احد منذ قدمت العراق قبلك، قال: ساءلناه، فقال: اثنا عشر عدة نبياء بني اسرائيل)). (۴) ادامه ص ۲

منی؛ فاطمه پاره ای از (وجود) من است)). او از شریف سمهودی نقل می کند که: ((این خبر به ما می فهماند که در هر زمان تا به قیام قیامت کسی از عترت که به او متمسک شویم، وجود دارد همان طوری که قرآن تا روز قیامت وجود خواهد داشت، پس اگر اهل بیت نباشند، اهل ارض هم نخواهند بود)). همچنین وی از زرقانی نقل می کند که در شرح این حدیث گفته است: ((اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله اول فرمود: انی تارک فیکم الثقلین، اشاره، بلکه تصریح است به اینکه قرآن و اهل بیت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله توأم هستند و آن حضرت صلی الله علیه و آله امتش را وصیت نمود به خوش رفتاری با قرآن و عترت و اینکه حق این دو را ضایع نموده و در امور دین به آنان مراجعه کنند. اما به قرآن مراجعه کنند؛ چون معدن علوم دینی و اسرار و حکم شرعی و کنوز و گنجهای حقایق و معرفت و دقایق است. و به عترت تمسک جویند؛ چون وقتی عنصر وجودی انسان پاک باشد، به او کمک می کند در فهم دقایق دینی، پس پاکی فطرت آدمی و طبیعت او موجب می شود که شخص دارای حسن خلق باشد، و محاسن اخلاقی هم ایجاب می کند صفای قلب و پاک بودن دل را از ناپاکی و پلیدیها (یعنی اهل بیت علیهم السلام چون دارای عنصر و طینت پاک هستند، پس بر ما واجب است از آنان پیروی کنیم)). بعد زرقانی می گوید: ((و این وصیت را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مؤکد و تقویت نمود به این جمله: فانظروا بماذا تخلفونی فیهما؛ پس ببینید چگونه حرف مرا نسبت به آن دو عمل خواهید کرد (یعنی یا قرآن و عترت را متابعت و پیروی می کنید تا مرا خوشحال بسازید، یا اینکه مخالفت آن دو را نموده و مرا ناراحت می کنید)). (۲)



۵- شیخ احمد بن علی شافعی می گوید: ((حدیث ثقلین صحیح است و مراد از آن این می باشد که علمایی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله برای همیشه تا روز قیامت امر کننده هستند به آنچه در قرآن وجود دارد)). (۱) همچنین آقای محمد بن عبدالباقی در شرحی که بر کتاب المواهب اللدنیة تالیف حافظ ابن حجر عسقلانی دارد، بعد از ذکر لفظ ((عترت)) می گوید: ((در این حدیث بعد از اجمال، تفصیل و بیانی است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله می خواهد بفرماید: اگر شما اوامر قرآن را پذیرفتید و از نواهی آن اجتناب کردید و هدایت شدید به هدایت عترت من و اقتدا به سیره آنان نمودید، گمراه نخواهید شد)). بعد از قرطبی نقل می کند که این وصیت و تاکید عظیم اقتضا می کند وجوب احترام آل آن حضرت صلی الله علیه و آله و اکرام و محبت آنان را، مانند وجود دیگر فرایض که عذری برای احدی در تخلف از آن نیست. مخصوصاً که خصوصیت آل نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله معلوم و طوری است که آنان جزء آن حضرت صلی الله علیه و آله هستند، چنانکه خود آن حضرت فرمود: ((فاطمة بضعة

سخن ماه

ماه نامه دینی مشکات دو ساله شد

ماه نامه دینی مشکات با نظارت دفتر فقیه اهل بیت حضرت آیت الله سید محسن هجری مصادف با سال ۱۳۹۲ شمسی تاسیس گردید. هدف از این ماه نامه نشر معارف و فرهنگ دینی و مذهبی میباشد، مخصوصاً مطالب و مسائلی که امروزه مورد توجه است و جوانان نیاز به آن دارند؛ مانند پاسخ گویی به شبهات، شیعه شناسی، مباحث اعتقادی، فقهی، اخلاقی و بعضی مسائل دیگر در این ماه نامه نشر می گردد. یکی از ابتکاراتی که در این ماه نامه وجود دارد این است که دارای تقویم شیعه میباشد. این ماه نامه در آخر هر ماه هجری به نشر می رسد و ویژه نامه ی نیز دارد که مسائل مهم ماه بعد در آن نشر میگردد. از دیگر ویژگی های این ماه، که در ماه نامه های دیگر دیده نمیشود این است که ستونی با عنوان عالم ماه دارد و هر ماه یک تن از علمای متوفی افغانستان را معرفی می نماید تا مردم با شخصیت ها و بزرگان کشور خود معرفی گردند. ماه نامه دینی مشکات هر ماه در ۱۰۰۰ عدد نشر میگردد و در نقاط و مراکز مختلف کابل ادامه ص ۳

استفتائات

س: آیا با دختری که پرده بکارت خود را از دست داده بدون اجازه پدرش میتوان نکاح موقت کرد؟
ج: اگر بکارت در اثر نکاح و ازدواج از بین رفته باشد در ازدواج مجدد نیازی به اذن پدر نیست. اما چنانچه در اثر زنا یا مریضی یا عوامل دیگر از بین رفته باشد، حکم باکره را دارد و باید با اذن پدر باشد
دفتر حضرت آیت الله سید محسن حجت
www.hojjat.org
facebook.com/ayatollahhojjat

مناسبات ماه

- ۱ شوال: عید سعید فطر
- ۴ شوال: شروع غیبت کبری
- ۸ شوال: تخریب قبور ائمه (ع)
- ۱۵ شوال: وفات حضرت سید عبد العظیم حسنی (ع)
- ۲۵ شوال: شهادت امام صادق (ع)

معرفی کتاب

ردیه قاطع بر احمد بن اسماعیل الکاطع الهمبوشی البصری

این کتاب در جهت نقد منهج گمراه، مدعی یمانیّت و مقامات الهی، احمد بن اسماعیل الهمبوشی البصری میباشد. شما می توانید این کتاب را از سایت www.almahdyoon.ir در بخش کتاب خانه سایت با فرمت PDF دانلود نمایید.

تذکر

به علت داشتن آیات و روایات در این ماهنامه لطفاً آنرا زیر پا نیندازید.

مبانی فقهی در رویت هلال / سید کاظم حجت

فقهی

مقدمه:

شب سوم یا تا شب هفتم را گویند (۱). اما این که در اصطلاح هلال چی را میگویند و منظور از کلمه هلال در روایات چیست بین فقها اختلاف است. آیا هلال اولین زمان ولادت ماه است؟ آیا زمان رویت آن؟ ولادت آن زمانی است که ماه از مقارنه یا تحت الشعاع با خورشید خارج می شود، در پاسخ به این سوال نظرات متفاوت است. برخی قائل به این هستند که از همان لحظه ای که ولادت ماه آغاز می شود، هلال همان زمان است. چه بسا در کتاب های لغت هم این معنا تایید می شود. اما برخی دیگر معتقدند که زمان ولادت ماه با زمان هلال فرق می کند. ماه باید ولادت آن آغاز شود و چند ساعتی لااقل هشت ساعت بگذرد، پس از آن لبه باریک ماه (پیشانی ماه) روشنایی پیدا می کند. آن روشنایی را هلال مد نظر قرار می دهند. در این میان گروه اول که معتقد هستند ولادت ماه، شروع ماه قمری است، می گویند اگر ما از طریق نجوم توانستیم ادامه ص ۲

آیت الله حسینی نسب از مراجع ایرانی ساکن در کانادا هم دوشنبه را اول رمضان اعلان نمودند. توصیه ی که بنده به عنوان یک برادر و دوست به طلاب دارم این است که اولاً دروس سنتی را فرا بگیرید، ثانیاً کتب فقهی را مطالعه فرمایید، طلابی که لمعه و اصول فقه را تمام نموده و مکاسب و رسائل یا کفایه میخوانند، اگر درست خوانده اند باید قادر بر مطالعه کتب فقهی استدلالی باشند! ثالثاً به خود عادت دهید در هر مناسبت در باره آن مطالعه و تحقیق داشته باشید، مثلاً در ماه رمضان در مورد مسائل اخلاقی و فقهی این ماه مبارک مطالعه داشته باشید. متأسفانه یک عده که امروز لباس پیغمبر ص به تن کرده و ادعای آنها همه جا را گرفته حتی رساله عملیه مراجع را هم مطالعه ندارند، اینجاست که باید گفت و علی الاسلام السلام!

معنای هلال:

هلال در لغت ماه نو و ماه دو شبه تا

اهل سنت و پیروی از دوازده امام (ع)

گرفته شده از کتاب تشیع چیست؟ و شیعه کیست؟ (قسمت دوم)

تالیف فقیه اهل بیت آیت الله سید محسن حجت مد ظله العالی

کنند: ((یکون لهذه الامة اثنا عشر قیماً، لا یضرمهم من خذلهم، کلهم من قریش)) (۷). ((این امت دوازده قیّم دارند که تبعیت نکردن کسی از آنان، آسیبی به خلافتشان وارد نمی کند و همه از قریشند)). قابل ذکر است که هیشمی وقتی این حدیث را ذکر می کند، می گوید: ((وقال لا یضرمهم عداوة من عاداهم، فالتفت خلفی، فاذا أنا بعمر بن الخطاب فی اناس، فاثبتوا لی الحدیث كما سمعت)) (۸). ((جابر می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عداوت کسانی که با آنان دشمن هستند، ضرری به آنان وارد نمی کند، بعد می گوید: پشت سرم را نگاه کردم، دیدم عمر بن خطاب با عده ای می آیند، پس آنان نیز حدیث را همان طور که شنیده بودم برایم بیان کردند)). حافظ سلیمان قندوزی حنفی (۹) بعد از نقل حدیث فوق الذکر از کتب معتبره اهل سنت، گفتار بعضی از محققین را در رابطه با شرح و توضیح این حدیث، نقل می نماید که ترجمه آن به فارسی چنین است: بعضی از محققین می گویند: ((روایاتی که دلالت دارند بر اینکه بعد از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خلفای آن حضرت دوازده نفر می باشند، مشهور و از طرق کثیره

((شبی خدمت عبدالله بن مسعود (که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله هست) نشسته بودیم و او برای ما قرآن قرائت می کرد، پس مردی برخاست و خطاب به عبدالله گفت: ای اباعبدالرحمن! (کنیه عبدالله بن مسعود) آیا شما از پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ گاه سؤال کردید که چند نفر در این امت به عنوان خلیفه و جانشین آن حضرت بعد از او خواهند بود؟ عبدالله گفت: این مطلب را از وقتی که به عراق آمده ام کسی غیر از تو از من نپرسیده است، بلی ما از آن حضرت پرسیدیم و آن حضرت صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: تعداد خلفای بعد از من دوازده نفرند مطابق عدد نقبای (سرپرستان) بنی اسرائیل)). احمد بن حنبل (۵) از جابر بن سمره روایت می کند که: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: ((لا یزال الدین قائماً حتی یکون اثنا عشر خلیفة من قریش؛ این دین برای همیشه باقی خواهد بود تا دوازده نفر از قریش بر آن خلافت کنند)). وی به نقل از جابر بن سمره می افزاید که: ((سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله او قال صلی الله علیه و آله: یکون بعدی اثنا عشر خلیفة کلهم من قریش (۶)؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم یا آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من دوازده نفر خلیفه خواهند بود که همه از قریش می باشند)). متقی هندی روایت فوق را با این لفظ نقل می

دوازده امامی که از میان اهل بیت و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاسته اند؛ زیرا آنان داناتر، بزرگوارتر، زاهدتر، متقی تر و از نظر حسب و نسب بالاتر و نزد خدای متعال گرامی تر از اهل زمان خودشان هستند، علمی که در سینه های آنان می باشد، همه متصل است به جد بزرگوارشان از طریق وراثت و لدنیت)). سپس حافظ سلیمان قندوزی حنفی می گوید: ((این چنین می شناسند آنان را اهل علم و تحقیق و کشف و توفیق)). این مطلب را که خلفای پیامبر همین امامان دوازده گانه هستند، تأیید می کند و رجحان می دهد حدیث ثقلین واحدیث کثیره ای که در این کتاب (ینابیع الموده) و غیر این کتاب از کتب معتبره دیگر ذکر شده است.

منابع:

- (۱) السراج المنیر فی شرح الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۶
- (۲) شرح المواهب الوهاب اللدنیه، ج ۸، ص ۷
- (۳) صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۱، (شرح نووی)
- (۴) مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۵۰۱.
- (۵) مسند، ج ۶، ص ۸۸، ح ۲۰۲۸۱
- (۶) همان، ص ۹۷، ح ۲۰۳۴۷
- (۷) کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳، ح ۳۳۸۵۸
- (۸) مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۰
- (۹) ینابیع الموده، ص ۴۴۶
- (۱۰) شوری / ۲۳

مبانی فقهی در رویت هلال / سید کاظم حجت

فقهی

راه برای اثبات اول ماه قرار داده اند. اما بعضی ها مانند آیات سیستانی و شییری زنجانی در صورتی قبول دارند که اطمینان حاصل شود و به عنوان راه پنج قرار ندادند.

۴. یقین یا اطمینان حاصل از گفته ی منجمین.

اکثر مراجع.

۵. هر نوع کوشش علمی که از آن یقین یا اطمینان حاصل شود.

آیات عظام فضل الله و سید کمال حیدری. آیت الله فضل الله ره این مساله را یکی از راه های اثبات اول ماه قرار داده اند. **بلند بودن، طوق داشتن، دیر غروب کردن و بزرگ بودن هلال:**

بنابر مشهور بین قدما و متاخرین بلند بودن، طوق داشتن، دیر غروب کردن و بزرگی ماه دلیل نمیشود که شب پیش، اول ماه بوده. اما بعضی از فقها و مراجع بلند بودن و طوق داشتن و بزرگ بودن را قرینه ی بر اول ماه بودن میدانند. مرحوم صدوق بلند بودن ماه را نشانه بر اول ماه بودن شب گذشته میدانسته. (۸) آیت الله سید محسن حجت نیز به عنوان قرینه قبول دارند. سید مرتضی ره بزرگ بودن ماه یعنی بزرگی و ضخیم بودن جرم نورانی ماه را نشانه اول ماه بودن شب گذشته میدانسته. (۹) شیخ طوسی ره طوق داشتن ماه را هنگام غم الشهور یعنی وقتی که هلال پوشیده بوده و معلوم نبوده، نشانه اول ماه بودن شب گذشته میدانسته. آیت الله تبریزی ره: اگر ماه طوق داشته باشد معلوم میشود ماه شب سابق بوده است. آیت الله محقق کابلی: اگر ماه طوق داشته باشد معلوم میشود مال شب سابق بوده و اگر علم حاصل نشود که شب دوم است باید اول حساب کند.

زمانی که هلال را دیدی روزه بگیر، و زمانی که هلال را دیدی افطار کن. یعنی اول رمضان و اول شوال که عید فطر است هر دو با رویت هلال ثابت میشود.

۲. شهادت دو مرد عادل به رویت هلال.

امام صادق ع میفرماید: قال علی ع: لا تقبل شهاده النساء فی رویه الهلال الا شهادت رجلین عدلین. (۵) امام ع فرمود: در رویت هلال شهادت زنان مورد قبول نیست مگر شهادت دو مرد عادل.

۳. شایع شدن دیدن هلال.

شیوع عبارت است از خبر دادن عده ای به رویت هلال، به گونه ی که انسان از تباری آنها بر کذب آسوده باشد، و از خبر آنان ظن و گمان نزدیک به یقین برایش حاصل شود.

۴. سپری شدن سی روز از ماه قبلی.

امام باقر ع میفرماید: فاذا خفی الشهر فاتموا العده شعبان ثلاثین یوماً، و صوموا الواحد و ثلاثین. (۶) زمانی که هلال مخفی ماند، پس تمام کنید ماه شعبان را سی روز، و روز سی و یکم را روزه بگیر. یعنی روز اول ماه رمضان. (۷) این چهار راه برای اثبات اول ماه، البته تفصیلات و اختلافاتی هم دارد که ما از ذکر آن ها صرف نظر کردیم. بعضی از مراجع تقلید با این که این چهار راه را بیان نمودند، ولی بعضی امور دیگر را هم در صورتی که موجب یقین یا اطمینان باشد را نیز ذکر نمودند:

۱. هر چیزی که بواسطه ی آن یقین یا اطمینان پیدا شود.

اکثر مراجع این مساله را ذکر کرده اند. **۲. اطمینان از یک منشا عقلانی پیدا شود.**

آیت الله سیستانی این مساله را ذکر کرده است. **۳. اطمینان حاصل از حکم حاکم شرع یا ثابت شدن ماه نزد او.**

عده ی زیادی از مراجع این مساله را پنجمین

منوط کرده است یا اینکه رویت هلال ماه، خود اصلت و استقلال ندارد و فقط به عنوان یک راه برای کشف پدیده حلول ماه جدید مطرح است؟ از احتمال اول به عنوان «موضوعیت» و از فرض دوم به مبنای «طریقت» تعبیر می شود. در صورت انتخاب مبنای «موضوعیت رویت» جای سخن درباره راه های دیگر ثبوت حلول ماه باقی نمی ماند و فقط می توان درباره اینکه آیا ملاک، رویت شخصی است یا رویت نوعی بحث کرد زیرا موضوعیت داشتن یک عنوان در حکم شرعی به این معناست که شارع، ذات آن عنوان را بدون توجه به هیچ عامل دیگری مورد توجه قرار داده است. بدیهی است چنین نگاهی به رویت، با نگاه طریقی به رویت ناسازگار است. اما در «نظریه طریقت» جای این بحث وجود دارد که آیا رویت، طریق انحصاری برای اثبات حلول ماه نو است یا راه های دیگر هم در کنار رویت برای اثبات حلول ماه نو پذیرفته می شود که در این صورت رویت هلال ماه برای اثبات اول ماه ملاک و اساس قرار نخواهد گرفت و آنچه مهم است، این است که ماه قابل رویت باشد نه اینکه رویت حتما توسط انسان انجام پذیرد. (۳)

راه های اثبات اول ماه قمری:

قبل از آنکه راه های اثبات اول ماه را بیان کنیم باید بدانیم خود مساله اثبات اول ماه موضوعی است نه تقلیدی یعنی مطابق راه هایی که مرجع تقلید شما فرموده اگر اول ماه ثابت شد، بر شما واجب است روزه بگیرید و یا عید کنید ولو مرجع شما آن روز را اول ماه نداند!

۱. رویت هلال.

کسی که هلال را دید اول ماه برایش ثابت است ولو کسی دیگر ندیده باشد. امام صادق ع میفرماید: اذا رأیت الهلال فصم، و اذا رأیته فأطفر. (۴)

اطمینان پیدا کنیم زمان ولادت ماه چه زمانی است، همان زمان، زمان شروع ماه قمری است. (۲)

مبانی فقهی در کیفیت رویت هلال:

این که چگونه رویت هلال و اثبات اول ماه قمری صورت میگیرد در بین فقها نظرات و مبانی مختلفی وجود دارد:

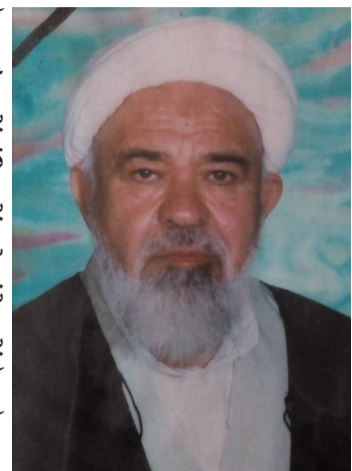
۱. باید هلال با چشم عادی بدون وسیله (غیر مسلح) دیده شود. این قول مشهور قدما و متاخرین میباشد. ۲. رویت هلال با چشم مسلح یعنی با استفاده از دوربین و تلسکوپ و مانند آن جایز است، ولو با چشم غیر مصلح دیده نشود. از جمله کسانی که قائل به این قول هستند آیات عظام فاضل لنکرانی، فضل الله لبنانی، خامنه ای، بهجت، نوری، سید کمال حیدری و سید محسن حجت میباشد. در فتوای آیت الله مجتبی تهرانی آمده است: اگر هلال ماه با ابزار و وسایل جدید رویت شود، چنانچه آن وسایل تقویت کننده دید بیننده باشد و یا موانع دید را بر طرف کند اشکال ندارد و اول ماه ثابت می شود، ولی اگر تصرف در مرئی محسوب شود، مثلاً طوری تصرف کند که هلال ماه را که پایین تر از افق است بالا نشان دهد تا رویت شود این رویت حجت نیست. ۳. رویت ماه با حساب های فلکی و نجومی. این قول طرفدار زیادی ندارد و از مراجع تقلید میتوان آیات عظام فضل الله لبنانی و صادقی تهرانی رحمهما الله را نام برد.

نکته مهم:

آیا رویت هلال برای اثبات اول ماه جدید قمری، طریقت دارد یا موضوعیت؟ و اینکه آیا «رویت هلال» به عنوان یک فعل انسانی، بالاصاله موضوع وجوب برخی احکام شرعی مانند روزه قرار گرفته و شارع مقدس بر اساس یک تعبد شرعی، حکم خود را به عمل رویت

عالم ماه

آیت الله یعقوب علی صادقی (ره)



آیت الله شیخ یعقوب علی صادقی فرزند یوسف علی در سال ۱۳۱۵ شمسی در شهر قندهار دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی را در قندهار و کابل فرا گرفت و در سن هفده سالگی به علت علاقه ی که با علوم دینی داشت، شروع به کسب معارف اسلامی در زادگاهش نمود. وی در سال ۱۳۳۵ شمسی برای فراگیری بیشتر معارف دینی، عازم نجف اشرف گردید. آیت الله صادقی در نجف نزد اساتیدی چون، آیت الله علامه مدرس افغانی، آیت الله صدرای بادکوبه ی، آیات عظام خویی، حکیم، محمد باقر صدر و حضرت آیت الله شیخ عباس قوچانی تلمذ نمود. آیت الله صادقی یکبار در سال ۱۳۴۴ شمسی به زادگاهش بازگشت و بعد از سه سال اقامت در آنجا، بار دیگر عازم نجف گردید. از آنجا که آیت الله صادقی، همیشه به فکر وطن و هموطنانش بود، در سال ۱۳۵۳ شمسی دوباره به قندهار مراجعت و اقدام به تبلیغ و ترویج معارف اسلامی کرد. وی همواره در کنار مردم بود و به همین خاطر محبوبیت خاصی در بین اقشار مختلف جامعه داشت. همزمان با ورود ارتش سرخ شوروی (سابق) به افغانستان، آیت الله صادقی مانند سایر هموطنانش از افغانستان خارج و راهی جمهوری اسلامی ایران گردید. وی در دیار هجرت نیز دست از تبلیغ و ارشاد برنداشت تا این که سحرگاه پنجشنبه ۵/۱۰/۱۳۸۱ در شهر قم دارفانی را وداع کرد و در همانجا به خاک سپرده شد.

سخن ماه

توضیح میگردد. الحمد لله ماه نامه بازتاب خوبی داشته و مردم مخصوصا جوانان اعم از دانشگاهی و طلبه ماه نامه دینی مشکات را مطالعه میکنند و بسیار علاقه مند به آن هستند. **موسسه علمی و فرهنگی حضرت آیت الله العظمی حجت (ره) ۹ ساله شد!** موسسه علمی و فرهنگی حضرت آیت الله العظمی حجت (ره) یکی از موسسات زیر نظر دفتر آیت الله سید محسن حجت (ره) می باشد که ۹ سالی میشود در حال فعالیت است و هدف اصلی آن تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی توسط برگذاری کلاس های دینی، نشر کتب، جزوات، و معرفی شخصیت والا مقام زعیم فقید شیعیان افغانستان حضرت آیت الله العظمی میر علی احمد حجت (ره) می باشد. این موسسه شخصیت آیت الله العظمی حجت را مورد تحقیق قرار داده و مطالبی که صحت دارد و در کتب و سایت های مختلف می باشد را جمع آوری نموده و برای مردم در قالب های مختلف ارائه میکند.

سایت، صفحات مجازی و کانال های رسمی

سایت رسمی دفتر آیت الله حجت

www.hojjat.org

صفحه رسمی آیت الله حجت در فیسبوک

www.fb.com/ ayatollahhojjat

صفحه رسمی آیت الله العظمی حجت در فیسبوک

www.fb.com/ayatollah.aluzma.hojjat

صفحه رسمی ماه نامه دینی مشکات در فیسبوک

www.fb.com/mahnamedinimeshkat

کانال رسمی دفتر آیت الله حجت در تلگرام

telegram.me/ayatollahhojjat

صفحه رسمی آیت الله حجت در تویتر

twitter.com/ayatollahhojjat

فقهی

مبانی فقهی در رویت هلال / سید کاظم حجت

آیت الله سید محسن حجت نیز طوق داشتن را از قرائن میدانند که شب گذشته اول ماه بوده. **حاکم شرع کیست؟**

حاکم شرع مجتهدی است که با موازین شرعی دارای فتوا است. (۱۰) بر اساس روایات، علما و فقها و ولی فقیه جامع الشرایط در زمان غیبت حضرت بقیه الله عجل به عنوان نیابت عام از سوی امام زمان عجل برای بیان و اجرای احکام شرعی مأموریت دارند. در این باره تنها به ذکر یک روایت اکتفا می شود: « مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَقَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّأْدُ عَلَيْنَا الرَّأْدُ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشُّرْكَ »؛ (۱۱) کسی که از شما احادیث ما را روایت می کند. در حلال و حرام ما صاحب نظر است. احکام ما را می داند، باید او را به عنوان حاکم پذیرید. ما او را حاکم بر شما قرار دادیم، پس هر گاه به حکم ما حکم کرد و شما حکم او را نپذیرفتید، حکم خدا را سبک شمرده اید و ما را رد نموده اید. رد ما رد خداوند و در حد شرک به خدا است.

آیا مرجع تقلید خود باید رویت کند؟

هیچ مجتهد و مرجع تقلیدی خود به دنبال رویت هلال نمی رود و واجب هم نیست، بلکه همیشه به توسط راه های مختلفی که بیان شد اول ماه برایش ثابت میشود. **منظور از اتحاد و تعدد افق چیست؟**

منظور از اتحاد افق، شهرهایی است که در طول خط واحدی واقع شده اند. بنابراین اگر دو شهر در یک خط طولی باشند گفته می شود که آنها در افق متحد هستند. باید توجه شود که برخی از فقها اتحاد افق را در ثبوت

اول ماه ملاک قرار می دهند و برخی از آنها آن را ملاک قرار نمی دهند. عده ای از فقها قائلند آنچه ملاک ثبوت اول ماه است اشتراک داشتن شهرها در شب است، هر چند این

جزئی از شب با هم مشترک باشند). آغازگر این فتوا در عصر ما مرحوم آیه الله العظمی خوئی (رحمه الله) بود، سپس جمعی دیگر از شاگردان ایشان به ایشان تأسی جستند. (۱۳)



اشتراک در بخشی از شب باشد. اما برخی از آنها قائلند ملاک ثبوت اول ماه در شهر دوم، امکان دیده شدن ماه در آن شهر است. (۱۲) مشهور در میان فقهای گرامی اهل بیت ع این است که اتحاد افق شرط است. مرحوم محقق یزدی مسأله را در عروه مطرح کرده و تقارب بلاد یا وحدت افق را شرط دانسته و اکثریت قریب به اتفاق مُحَسِّنین، آن را پذیرفته اند. ولی بعضی از بزرگان پیشین و معاصر آن را شرط ندانسته و رویت هلال را در یک نقطه از جهان کافی برای مناطق دیگر دانسته اند (مشروط بر این که لااقل در

آیت الله سید محسن حجت نیز از قائلین به این قول میباشند. **نکته پایانی:**

اختلاف در مسائل تخصصی و علمی یک مساله طبیعی است و هیچ جای تعجب ندارد، و از قدیم الایام اینگونه اختلاف ها وجود داشته و همه ناشی از مبانی مختلف فقها می باشد. مسائلی که در این مقاله بیان شد دارای تفصیلات و اختلافات می باشد که ما بنابر اختصار از ذکر آنها خود داری کردیم، اهل تحقیق میتوانند به منابعی که در آخر مقاله با عنوان منابع تحقیق ذکر شده رجوع نمایند.

منابع تحقیق:

- (۱) منتهی الارب
- (۲) مصاحبه با آیت الله شیخ جواد فاضل لنکرانی در روزنامه جمهوری اسلامی.
- (۳) مقاله، دیدگاه های فقهای شیعه درباره رویت هلال، حجت الاسلام مرتضی اشراقی (نوه امام خمینی ره)
- (۴) الوسائل الشیعه، ج ۱۰، باب ۳، حدیث ۷.
- (۵) همان، باب ۱۱، حدیث ۷.
- (۶) همان، باب ۳، حدیث ۱۷.
- (۷) الزبده الفقهیه فی شرح الروضه البهیة، ج ۳، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.
- (۸) همان، ص ۱۶۳.
- (۹) همان.
- (۱۰) رساله توضیح المسائل آیه الله فاضل لنکرانی، ص ۵۲۹، انتشارات امیر العلم قم.
- (۱۱) کافی، ج ۱، ص ۶۷، شیخ کلینی، حدیث، ۱۰ ناشر اسلامیه.
- (۱۲) رساله آموزشی، ج ۱، درس ۶۵، منهاج الصالحین، کتاب الصوم، الفصل السادس فی ثبوت الهلال، بعد از م، ۱۰۴۴
- (۱۳) مکارم شیرازی، چند نکته مهم در باره رویت هلال.

شب قدر گذرگاه طلایی / سید مهدی علوی نژاد

عرفانی

جاویدانی سبزشدند و قد برافراشتند. وقتی به دنبال نشانه های چنین انسان های که از گذرگاه طلایی شب های قدر به سوی هويت جاویدانی خویش پر کشیدند می گردیم، نام مولای عشق و عرفان حضرت امام علی (ع) با خط سبز بر این لوح زرین نوشته شده است. انسانی که پیمانۀ ای عشق لاهوتی را از دم شمشیر زهر آگین این ملجم سر می کشد و ندای رستگاری به خدای کعبه را فریاد می کند. زمزمه ای فزت ورب الکعبه امام علی (ع) صدای رسای عاشق دلباخته ای است که با سر کشیدن پیمانۀ ای عشق آسمانی، نوید پیوستن خویش را به اقیانوس نا کرانمند معشوق اذلی وابدی خویش می دهد. از آنجای که خداوند در شب قدر کلام هدایت گر خویش را به پیامبرش فرستاد و به این ترتیب پروردگار مهربان دروازه ای طلایی را برای عبور بندگان خودش از زمین محنت به آسمان مکننت باز گذاشت و آنها را امید تازه ای بخشید. ماهم اگر خواسته باشیم می توانیم از این دروازه طلایی عبور نماییم اما به این شرط که به دنبال نشانه ها و اوصاف معشوق باشیم نه اوصاف و نشانه های خویش. اگر قطره ای به اقیانوس پیوندد آن قطره دیگر یک قطره نیست بلکه بخشی از اقیانوس است.

با آنها ارتباط برقرار نمود و آنها را رهنمایی کرد تا گمراه نشوند و به این طریق به آن ها فهماند که اگر خواسته باشید از طریق تهذیب اخلاقی و روحی می توانید دوباره به آن اصل فنا ناپذیر و جاویدانی برگردید. پیامبران الهی هم از نوع خود انسان بودند و از طریق تهذیب روح و روان خود شان به آن نستان ابدیت پیوستند. خداوند همواره برای بندگان خود راه عبور به سوی خودش را باز گذاشته است اما نیاز به اراده و تلاش و تعهد خود انسان دارد. اگر ما عاشق خداوند باشیم و نیت را در وجود خود بکشیم و تسلیم رضای او باشیم به این مهم دست می یابیم به طوری که حافظ می گوید؛ فرق است میان عاشق و معشوق چو یار ناز کند شما نیاز کنید این نکته را نباید فراموش کرد که رابطه بین خداوند و بندگان یک رابطه عاشقانه است و در این میان فرزندان آدم باید از نوع عاشق باشند و برای فنا شدن و قربانی شدن آماده باشند تا در اقیانوس بیکران الهی مستحیل شوند. بسا انسان های بودند که در راه خداوند و برای مستحیل شدن در اقیانوس بیکران عشق خداوندی عاشقانه قربانی شدند و با دل و جان پیمانۀ عشق حقیقی را سر کشیدند و به آن نستان

مولانا در مثنوی معنوی خویش چنین بیان می دارد؛
 کز نیستان تا مرا بریده اند
 در نفیرم مردو زن نالیده اند
 هر کسی کاو دورماند از اصل خویش
 باز جوید روزگار وصل خویش
 آدمی روزگاری بخشی از نیستانی بوده است که سالهاست از آن جدا افتاده و از فراق آن زجه و ناله سر می دهد و در تقلائی رسیدن به هويت اصیل خویش به هر کوره راه گام بر می دارد تا شاید گریزگاهی برای فرار از این زندان تاریک و خاموش پیدا نماید و این فراق دیرینه را دیدار دوباه بخشد. حس جاویدانگی انسان نشان از هويت فنا ناپذیر اوست که هنوز نتوانسته به آن دست یابد و مانند کسی در جستجوی گم کرده ای باشد به هر طریق ممکن می رود. این دنباله روی و جستجوی مداوم نسل بشر در حقیقت بازگشت انسان به اصل و منشأ اولی او است که در اثر خطایی از آن پیکره ای جاویدانی بریده شد و به تبعیدگاه زمین فرستاده شد. هر چند که حضرت آدم (ع) به زمین خاکی تبعید شد ولی هیچگاه خداوند بندگانش را که از روح پاک و مقدس خویش در وجود آنها دمید تنها به حال خودشان نگذاشت و همواره از طریق بندگان مخلص و صالح خود

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
 اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
 چه مبارک سحری بود چه فرخنده شبی
 آن شب قدر که این تازه براتم دادند
 شب قدر دروازه ای طلایی عبور از زمین محنت در آسمان مکنت است. شب وصل عاشق و معشوق درنا کجا آباد. مقوله عرفان، عشق را چنین تعریف می کند؛ عشق مستحیل شدن است در معشوق. در این تعریف یک نکته قابل تذکر است و آن عبارت است از؛ نهایت و بی نهایت. عارفان را عقیده بر آن است که رسیدن به معشوق، آن بی نهایت جاویدانی را نهایت پایان پذیر می سازد. که این نکته در مغایرت با اصل جوهره ای عشق است. در مبحث عشق رسیدن مطرح نیست بلکه قربان شدن و فنا شدن در معشوق، هويت عاشق را می سازد. در بُعد عرفانی اساساً عاشق فاقد نام و نشان و جایگاه است و تمامی این موارد مختص به معشوق است. در حقیقت عاشق همه چیز خود را در معشوق می بیند و تمام اوصاف خویش را در وجود او جستجو می نماید. نهایت این عشق مستحیل شدن در معشوق است طوری که هیچ نشانی از عاشق به جا نباشد و همه معشوق باشد.

نگرشی تاریخی بر تهاجم فرهنگی / سید محمد حسین ناطقی

تاریخ تحلیلی



دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به حاشیه برده و امری غیر ضروری جلوه دهند؛ زیرا دین حقیقی را مانع چپاولگری و غارت خود می بینند. آنان برای رسیدن به این هدف شیطانی خود، تمام امکانات خود را بسیج کرده و با تبلیغات گسترده و دامنه دار سعی دارند تا چهره دین را نامطلوب، ناقص، عقب مانده و بدوی و در یک کلمه غیر ضروری و بی اهمیت نشان دهند. اگر قوانین و مقررات الهی در بین جامعه سست، تضعیف و تحریف شود، گردن کشان به راحتی، همان طور که بیان شد، می توانند به اهداف شوم استعماری خود دست یابند. به همین دلیل سعی می کنند قوانین الهی را به اشکال مختلف مورد هجوم قرار داده تا بتوانند به امکانات و ذخایر مادی و معنوی کشورها، خصوصاً کشورهای اسلامی چنگ اندازند و زمینه را برای هرگونه تاخت و تاز و تهاجم فراهم نمایند؛ بنابراین عالمان دین را مانع اصلی خود می بینند. از این رو، تمام تلاش و توان هجوم خویش را از همان آغاز اسلام و تاکنون متوجه و علما دین و هجوم فرهنگی قرار داده اند.

ب - برتری نژادی
 قوم گرایی و نژادپرستی همواره یکی از معضلات بشریت بوده و می باشد. از زمان های گذشته تاکنون درگیری و اختلافات نژادی بدترین نوع جنگ های وحشیانه بوده و بیشترین خون ریزی را به دنبال داشته است. امروزه با وجود ادعاهای فراوان مبنی بر پیشرفت فرهنگی و تمدن بشری، هنوز هم که است شاهد تصفیه های خونین قومی و نژادی در اطراف و اکناف دنیا هستیم که یکی از نمونه های فاجعه آمیز آن، خیانت صرب ها علیه ملت مسلمان و مظلوم بوسنی آن هم در قلب اروپای وحشی به ظاهر متمدن و در کشور میانمار بوده و می باشد. این جنگ ها چیزی

این سلطه و غارتگری دوام خواهد داشت. از سویی آمریکای جهان خوار به موازات آن، تمامی مسلمانان در دیگر کشورها نیز از این سلطه متأثر خواهد شد. کما آنچه اکنون داریم شاهدش هستیم بلا و مصیبت که امروز کشورهای اسلامی به آن مواجهه اند جریان خیزش های فرقه سازی های تکفیری القاعده، داعش و طالب و ... همه مصیبت ها در کشورهای خاورمیانه از افغانستان گرفته تا دامنه های کشورهای افریقایی ها، برای حفظ منافع اقتصادی و بازار مصرف تولیدات غرب است هم اینها نتیجه عدم آگاهی ملت های منطقه و دور از آموزه های دینی و اسلامی است. اگر ملت های مسلمان از آگاهی لازم برخوردار می بود و از همه تعالیم و معارف الهی آگاهی می داشتند؛ به این آسانی غرب و امریکای جنایتکار این همه مصیبت و گرفتاری را نمی توانست بر کشورهای اسلامی و ملت های مسلمان خلق کند.

زمینه ها و بسترهای خارجی
 همان گونه که در قسمت اول این مبحث عنوان شد، منشأ اصلی تهاجم فرهنگی، اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی و خارجی به خصوص وضعیت بحرانی کشورهای استعماری می باشد. وقتی کشورهای بزرگ صنعتی دچار بحران های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شدند، تنها راه چاره را در انتقال این بحران به جوامع غیر صنعتی یافتند، به این صورت که با تسخیر کشورهای عقب مانده، علاوه بر تأمین مواد اولیه و کارگر ارزان، با ارسال متخصصان، کارمندان و کالاهای مصنوعی خود به این جوامع، شکل تورم و بیکاری خود را تا حدودی از این طریق حل کردند. در این قسمت، عمده ترین عوامل خارجی تهاجم فرهنگی را به بررسی می گیریم.

الف - تبلیغ علیه تعالیم الهی و دینی
 دشمنان ادیان الهی همیشه سعی می کنند

عدم شناخت صحیح از دین و بی توجهی در عمل به آن: عدم درک و شناخت صحیح مسلمانان از فرامین دینی و احکام شریعت، یکی از عوامل مهم سلطه پذیری ممالک اسلامی محسوب می شود. اگر همه ملت های مسلمان آگاه شوند که قرآن مجید با تأکید فراوان، سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان را بر مسلمانان نفی و منع کرده، به هیچ نوع به سلطه کفار تن در نخواهد داد و این ذلت را نخواهد پذیرفت. اما متأسفانه امروزه، دلایل مختلفی از جمله وجود حکام جور و سرسپرده در این کشورها، باعث عدم آگاهی ملت ها از حقایق اسلام شده است. نمونه های بارز آن کشور عربستان، کویت و امارات متحده و ... می باشند. کشورهایی که بیشترین ذخایر اقتصادی از قبیل نفت و گاز را در اختیار دارند؛ اما این ذخایر امروزه در اختیار غرب و امریکا است که آن را به نازل ترین قیمت می بلعند و به غارت می برند. همین کشور عربستان که قبله ای اول مسلمین است و شهر مقدس «مکه» را به دست دارد، امروزه در اختیار غارتگر قرن، امریکا قرار دارد. این مصداق روشن و سلطه بیگانه بر بلاد مسلمین است و از سویی عدم آگاهی و شناخت ملت های اسلامی در منطقه، از آموزه های قرآن و احکام شریعت است؛ و اگر نه امریکا به این راحتی نمی توانست ثروت های منطقه را به غارت ببرد و ملت های مسلمان، اصلاً مجال آن را نمی دادند؛ همان طوری که ملت ایران نگذاشت و دست و پای غربی ها از جمله امریکا را بست و در برابرش ایستاده شد، و سلطه آن را از کشورشان رفع نمود. از این رو، تا زمانی که ملت های منطقه به خصوص کشورهای عربی در این غفلت قرار داشته باشند و به آگاهی از دین و قوانین اسلامی آشنایی و بیداری پیدا نکنند و نرسند،

- امام جعفر صادق (ع) و مبارزه با انحراف فکری غلات
- نقدی بر اندیشه وهابیت در تخریب قبور
- به انگیزه هشتم شوال سالروز تخریب بقیع



ویژه نامه ماه شوال

امام جعفر صادق (ع) و مبارزه با انحراف فکری غلات

اشاره:

۲۵ شوال المکرم، مصادف است با سال روز شهادت رییس مذهب شیعه اثناعشری و احیاء کننده اسلام ناب محمدی (ص)، حضرت جعفر بن محمد الصادق (ع). در این نوشتار کوتاه به بررسی اجمالی حوادث دوران زندگانی ایشان و نقش آن حضرت در بنیان گذاری مکتب شیعه اثناعشری و چگونگی مبارزه آن حضرت با انحرافات فکری جامعه مانند موضوع غلات و ... می پردازیم:

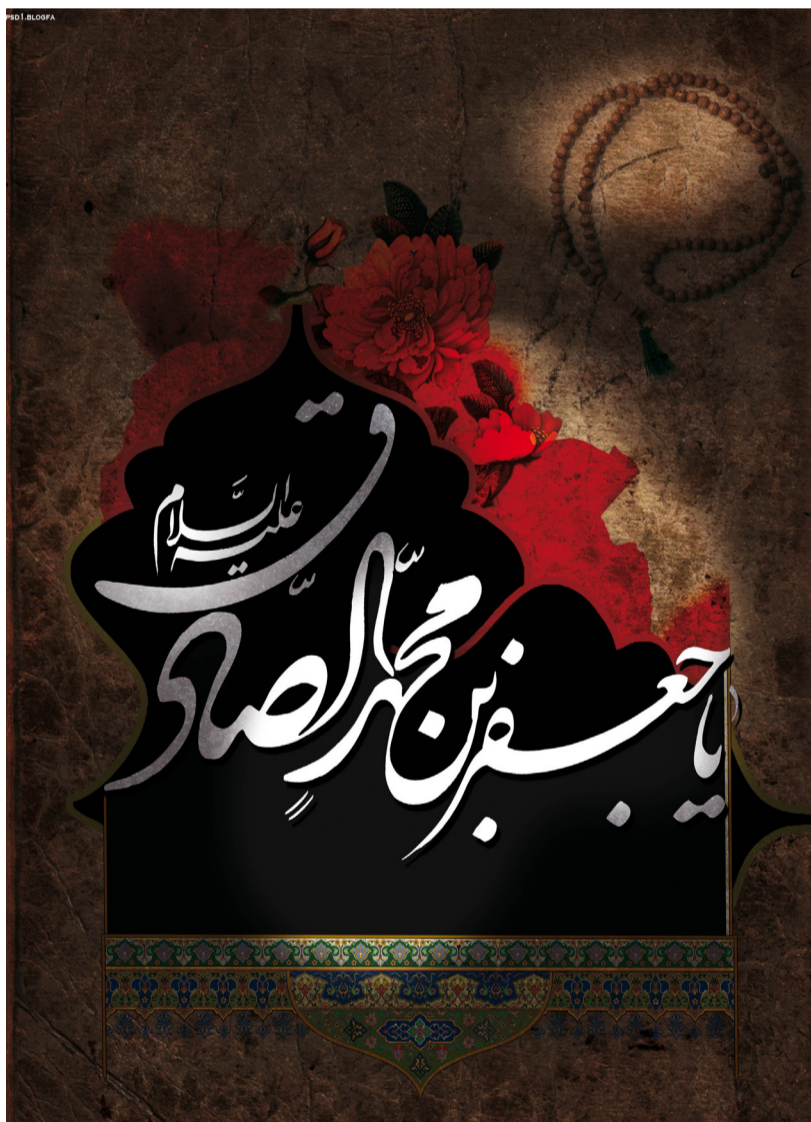
۱- ولادت، کمالات نفسانی و مقامات علمی

حضرت امام صادق (ع) در تاریخ هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری در مدینه منوره به دنیا آمد (۱) مکنی به (ابو عبدالله) و ملقب به (صادق) است. گفته می شود این لقب را پیامبر اکرم (ص) به ایشان داده است. مدت زندگانی حضرت، ۶۵ سال و مدت زمان امامت آن حضرت، ۳۴ سال بود. آن حضرت ۱۲ سال در مدینه با جد بزرگوارش امام سجاد (ع) و ۱۹ سال با پدرش امام باقر (ع) زندگی کرد. در این مدت، دشواری ها و سختی های زندگی در حکومت حاکمان ظالم بنی امیه را شاهد بود و همراه با پدرش در راه نشر معارف اهل بیت (ع) تلاش می کرد. مالک بن انس در مورد شخصیت و مقام علمی و عملی امام صادق (ع) می گوید: «و لقد کنت اُتی جعفر بن محمد [ع] و کان کثیر المزاح و التبسّم، فاذا ذکر عنده النبی (ص) اخضر و اصفر و لقد اختلف الیه زماناً و ما کانت اراه الا علی ثلاث خصال: اما مصلیاً و اما صائماً و اما یقرأ القرآن و ما رأیته قطّ یحدث عن رسول الله (ص) الا علی الطهارة، ولا یتکلم فی ما لا ینبیه و کان من العلماء الزهاد الذین یخشون الله و ما رأیته قط الا خرج الوسادة من تحته و یجعلها تحتی» (۲)

ترجمه: مدتی خدمت جعفر بن محمد [ع] مشرف می شدم. آن حضرت اهل مزاح و تبسم بود. هنگامی که در محضر ایشان نامی از پیامبر (ص) برده می شد، رنگش به سبزی و سپس به زردی می گرایید. در مدت رفت و آمد به منزل ایشان، او را از سه حالت خارج ندیدم؛ یا نماز می خواند و یا روزه بود و یا به قرائت قرآن مشغول بود و هرگز بدون وضو از حضرت رسول (ص) حدیث نقل نمی فرمود و سخنی که به درد من نخورد، بر زبان جاری نمی ساخت، ایشان از علمای زاهدی بود که ترس از خدا سراسر وجودش را فرا گرفته بود، هرگز به خدمت او شرف یاب نشدم جزء اینکه زیرانداز خود را برای نشستن من اختصاص می داد. جاحظ (از علمای قرن سوم) نیز می گوید: «جعفر بن محمد [ع] الذی ملا الدنیا علمه و فقهه و یقال ان ابا حنیفه من تلامذته و کذلک سفیان الثوری و حسبک بهما فی هذا الباب» (۳) ترجمه: جعفر بن محمد [ع] کسی بود که علم و فقهش عالم را فرا گرفته بود و گفته می شود ابو حنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او بودند و شاگردی این دو در عظمت علمی او کافست. حسن بن علی الوشاء [از اصحاب امام رضا (ع)] می گوید: «در مسجد کوفه ۹۰۰ نفر را دیدم

که «حدثنی جعفر بن محمد [ع] می گفتند» (۴). شیخ مفید (ره) می فرماید: «و لم ینقل العلماء عن احد من اهل بینه ما نقل عنه (ع)» (۵). ترجمه: علمای اسلام آنقدر حدیث که از امام صادق (ع) نقل کرده اند از هیچ کدام ائمه (ع) دیگر نقل نکرده اند. امام صادق (ع) با توجه به موقعیت و اوضاع سیاسی جامعه فرصتی به دست آوردند تا احادیث

اهمیت والائی برخوردار بود، مسئله استماع حدیث از ناحیه عده ای از افرادی است که در میان آنها هم شیعه و طرفدار واقعی و هم دشمن و معاند اسلام دیده می شود، زیرا تمامی شاگردان حضرت نمی توانستند تفکر و اندیشه خود را در یک زاویه صحیح قرار داده و همه معارف دینی خود را همانند محمد بن مسلم و زراره اخذ نمایند و حتی در صف شاگردان امام



آن حضرت (ع) شدیداً به مقابله و مبارزه با آنها برخاست و این مبارزه و مخالفت باعث محدود شدن و تضعیف این فرقه گردید. مسئله ای که باید مورد توجه قرار داد، این است که شیعه واقعی و حقیقی، جدا از غلات و عقاید آنها می باشد به طوری که بسیاری از تاریخ نویسان و مستشرقان قادر به فهم و درک این مسئله نبوده و نیستند! اینک به گوشه هایی از تدبیر امام صادق (ع)

در برابر انحرافات این فرقه اشاره می شود: الف- پرهیز دادن شیعیان واقعی از معاشرت با آنان امام صادق (ع) در حدیثی به مفضل (یکی از یاران) فرمود: «یا مفضل، لا تقاعدوهم و لا تواکلوهم و لا تشاربوهم و لا تصافحوهم و لا تواتروهم» (۸). ترجمه: ای مفضل با غلات نشست و برخاست نداشته باشید و با آنها غذا نخورید و دست دوستی به سوی آنها دراز نکنید و به مبادله علمی با آنان نپردازید. ب- تکذیب عقاید و افکار غلات در روایتی، عیسی جرجانی می گوید: به جعفر بن محمد (ع) عرض کردم، آیا آنچه از این جماعت (غلات) شنیده ام به شما عرض کنم، امام (ع) فرمود: بگو، گفتیم: «فان طائفه عبیدوک و اتخذوک الهأ من دون الله و طائفه اخرى والولک بالنبوه». قال: «فبکی حتی ابتلت لحيته» ثم قال: «ان امکننی الله من هولاء فلم أسفک دماهم سفک الله دم ولدی علی یدی» (۹). ترجمه: گروهی از غلات شما را بجای خدا عبادت می کنند و تعدادی دیگر نسبت پیامبری به شما می دهند. راوی می گوید، امام صادق (ع) با شنیدن این مطلب چندان گریه کردند که صورت مبارکش از اشک چشمش خیس شد، سپس فرمود: اگر خداوند آنان را در دسترس من قرار دهد و من خون آنان را نریزم، خداوند خون فرزندانم را به دست من بریزد.

۴- پایه گذاری نهضت علمی و تدوین فقه

اهل بیت (ع)

این پاره ای از وضعیت اجتماعی، فکری جامعه اسلامی بود که ذکر شد، اما غالب حرکت جامعه که می توان به آن ارزش فراوان قائل شد مسئله نقل احادیث و پایه گذاری نهضت عظیم علمی توسط امام صادق (ع) می باشد که به طور خلاصه ذکر می شود: زمینه های گسترش این نهضت بزرگ از عصر امام باقر (ع) شروع شد، زیرا در آن عصر حرکت ها و جنبش های سیاسی بر علیه دستگاه خلافت اموی از طرف شیعیان و مخالفان آغاز گردید و درست در آغاز امامت امام صادق (ع) این درگیری ها به اوج خود رسید و می رفت که قیام بنی عباس بر علیه بنی امیه، باعث اضمحلال و نابودی بنی امیه گردد. حضرت در این زمان با تدبیر خاص و تیز هوشی فراوان از فرصت استفاده کردند و تصمیم به نشر معارف و احادیث نبوی (ص) و پدران بزرگوارش گرفتند که مسئله باعث تدوین فقه مرقی و بنیادین شیعه اثناعشری گردید. ابان بن تغلب (یکی از شاگردان امام) می گوید: «

صادق (ع) کسانی که طرفداران سرسخت خلافت بنی امیه و بنی عباس بودند حاضر می شدند و پراکنده شدن این عده در اطراف جامعه اسلامی باعث تفسیر و توجیه عقاید مختلف با پیش های گوناگون می شد و جریان های سیاسی موجود در جامعه نیز به اختلاف عقاید و برداشت ها تاثیر می گذاشتند. در نتیجه یکی از حوادث عمیق این عصر، فراوانی شاگردان با اختلاف وسیع فکری و عقیدتی در گوشه کنار جامعه اسلامی بود.

امام صادق (ع) هم با توجه به این مسئله از ناقلان صحیح احادیث شدیداً حمایت می کرد، چنان چه در جمله ای فرمودند: «رحم الله زراره بن أعین، لولا زراره و نظراوه لاندست احادیث ابي» (۷) ترجمه: خداوند زراره را رحمت کند، به درستی اگر او و امثال او نبودند احادیث پدرم از میان می رفت.

۳- مشکل غلات

یکی از مشکلات عصر امام صادق (ع) مسئله غلات و عقاید باطل آنها بود، که

و معارف اسلام را در زمینه های تفسیر قرآن، فقه و احکام و عقاید توسط شاگردان خود در سینه تاریخ ثبت و برای همیشه اسلام را بیمه نمایند. آن حضرت، نهضت علمی و انقلاب فرهنگی امام باقر (ع) را توسعه داد و در رشته های علوم عقلی، فقهی و نقلی شاگردان برجسته ای همانند: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مومن الطاق، مفضل بن عمر و جابر بن حیان و ... تربیت کرد به طوری که تعداد آنان را بالغ بر ۴۰۰۰ نفر ذکر کرده اند. پیرامون عظمت شخصیت علمی و کمالات معنوی امام صادق (ع) عبارات و سخنان فراوانی نقل شده که در کتاب الإمام الصادق (ع) و المذاهب الاربعه تألیف مرحوم شیخ اسد حیدر (ره) گردآوری شده است. (۶)

۲- اوضاع اجتماعی و سیاسی و نقش امام

صادق (ع)

یکی از مسائلی که در عصر امام صادق (ع) از

امام جعفر صادق(ع) و مبارزه با انحراف فکری غلات

« الشیعۀ، الذین اذا اختلف الناس عن رسول الله(ص) أخذوا بقول علی(ع) و اذا اختلف الناس عن قول علی(ع) أخذوا بقول جعفر بن محمّد(ع)». (۱۰) ترجمه: شیعیان کسانی هستند که وقتی مردم در قول و سخن پیامبر(ص) اختلاف کردند، سخن امیر المؤمنین علی(ع) را بپذیرند و وقتی در سخن او هم اختلاف شد، سخن جعفر بن محمّد الصادق(ع) را می گیرند. یکی از مسائل دیگری که در اواخر این عصر به وقوع می پیوندد، فشار سیاسی از ناحیه حکومت ظالم و غاصب اموی بر شیعیان می باشد به طوری که امام صادق(ع) بر مسئله تقیّه اصرار می ورزد و اگر کوچک ترین اتهامی به کسی وارد می شود کافی بود که احترام جانی و مالی او از بین رفته و گرفتار شکنجه و ناپودی شود.
۵- فشار حکام جور و قیام های آزادی خواه
از جمله قیام ها و حرکت های مردمی که توسط عده ای در زمان امام صادق(ع) بر علیه ظلم و ستم حاکمان آغاز گردیده می توان به قیام های علویان و عباسیان اشاره نمود، به طوری که به دنبال قیام عباسیان، بنی امیه سقوط کردند، عباسان که

با شعار های عدالت خواهانه و ... روی کار آمده بودند، خودشان در عمل به دشمنان و مخالفان سرسخت اهل بیت و آل محمّد(ع) مبدل گشتند. امام صادق(ع) که نیرنگ و دنیا خواهی و ترویض عباسیان را به وضوح دریافته بودند، به هیچ وجه آنها را تأیید نفرمود ولی کم و بیش از قیام عدالت خواه زید بن علی(ع) حمایت می کرد. چنان چه نقل شده است که امام صادق(ع) فرمود: « رحمہ الله، امّا أنّه کان مؤمناً و کان عالماً و کان صدوقاً؛ امّا أنّه لو ظفر لوفی، اناّ أنّه لو ملک يعرف كيف يضعها». (۱۱) ترجمه: خداوند او(زید) را رحمت کند، مرد مؤمن و عالم و راست گویی بود که اگر پیروز می شد با وفا باقی می ماند و اگر زمام دار می گشت، می دانست آن را به دست چه کسی بسپارد. از جمله قیام های دیگر شورش و قیام «ابو سلمه خلال و ابو مسلم خراسانی» بود که امام(ع) به آنها روی خوش نشان نداد. امام صادق(ع) به درستی می دانست که آنان در شورش خودشان راست گو نیستند. در منابع تاریخی آمده است که ابو مسلم خراسانی در راه استقرار حکومت

نقدی بر اندیشه وهابیت در تخریب قبور/به انگیزه هشتم شوال سالروز تخریب بقیع

حرم ائمهٔ بقیع به سال ۴۹۵ ه‍.ق یعنی اواخر قرن پنجم دارای گنبد و بارگاه شده است. ابن جبیر، جهانگرد معروف که در قرن هفتم به حجاز سفر کرده، در دیداری که از بقیع داشته است آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «و آن قبه ای مرتفع و سر به فلک کشیده است که در نزدیکی در بقیع واقع شده.» در قرن هشتم قمری، بعد از گذشت ۱۵۰ سال از سفر ابن جبیر، ابن بطوطه سفری به مدینه نموده و مشاهدات خود را این‌گونه بیان می‌کند: «حرم ائمهٔ بقیع، قبه ای است سر به فلک کشیده و از نظر استحکام، بدیع و اعجاب‌انگیز است.» در قرن معاصر، صاحب کتاب «مراه‌الحرمین» جناب ابراهیم رفقت پاشا، ۱۹ سال قبل از تخریب حرم ائمهٔ بقیع سفر حج کرده و توصیفاتی دارد: «عباس و حسن ابن علی و ائمهٔ سه‌گانه در زیر یک قبه قرار گرفته اند که بزرگ‌تر از همهٔ قبه های موجود در بقیع است.» در طول تاریخ سه بار بقیع تعمیر شده است. بار اول در سال ۵۱۹ ه‍.ق توسط المستنصر بالله و برای بار سوم در اواخر قرن سیزدهم توسط سلطان محمود غزنوی. کتیبه هایی که جهانگردان در سفرهای‌شان از بقیع خوانده اند، گویای این مطلب است.

نخستین ویرانی

نیروهای وهابی به سرکردگی عبدالعزیز بن سعود در سال ۱۲۲۱ ه‍.ق بعد از محاصرهٔ طولانی مدینه، ساکنان شهر را در تنگنا قرار دادند و مردم بی‌گناه بی‌شماری را قتل عام کردند. سپس خادمان آستان پیامبر را یک‌جا جمع کردند و برای آن که محل جمع‌آوری و نگهداری هدایا را نشان دهند، آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. بعد از غارت کردن حرم نبوی، هنگام بازگشت به نجد که محل استقرار وهابیون بود، از بقیع گذشتند و عبدالعزیز دستور تخریب تمامی بارگاه‌ها را صادر کرد. گفتنی است آنها در این حمله چهار صندوق مملو از جواهرات مرصع به الماس و یاقوت گرانبها و حدود یکصد قبضه شمشیر با غلاف های مطلا به طلای خالص و تزیین شده به الماس و یاقوت و… به یغما بردند. در این زمان، خلافت عثمانی به والی خود محمد علی پادشاه دستور داد که حجاز را از سلطهٔ وهابی ها نجات دهد و کنترل حجاز را به دست گیرد. پس از جنگی خونین به سال ۱۲۲۷ ه‍.ق وهابی ها شکست سختی خوردند و مردم به بازسازی اماکن متبرکه همت گماشتند.

ویرانی دوم

هشتم شوال سال ۱۳۴۴ ه‍.ق پس از سلطهٔ دوبارهٔ

ستم گر عباسیان جمعیت بی‌شماری را کشت. برخی از مورّخان مانند ابن اثیر و طبری می نویسند: کشته های او بالغ بر ۶۰۰۰ نفر بود!. بخش پایانی زندگانی امام صادق(ع) مصادف با خلافت ظالمانه منصور عباسی گردید، امام(ع) شدیداً از ناحیه خلیفه مورد دشمنی و حسادت قرار گرفت، زیرا امام(ع) بر حقانیت ولایت ائمه و از جمله خودشان اصرار می ورزید و لحظه ای حاضر به پذیرش و تأیید حکومت بنی العباس نشد. (۱۲) لذا دشمن از همین مسئله بیم ناک بود. بالأخره آن بزرگوار با توطئه منصور عباسی(لع) در ۲۵ شوّال سال ۱۴۸ هجری در سنّ ۶۵ سالگی مسموم، شهید شد و مظلومانه در قبرستان بقیع مدفون شد.(۱۳)

پی نوشت ها:

۱- کلینی(ره)، اصول الکافی ج ۱ ص ۴۷۲؛ مفید(ره)، الإرشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد ج ۲ص ۱۷۹؛ طبرسی(ره)، اعلام الوری بأعلام الهدی ص ۲۶۶.

۲- ابن حجر، تهذیب التهذیب ج ۱ ص ۸۸؛ أسد حیدر(ره)، الإمام الصادق(ع) و المذاهب الاربعهٔ ج ۲ ص ۵۳؛ گروه نویسندگان، اعلام الهدایهٔ: الإمام جعفر بن محمّد«الصادق» ج ۸، ص ۴۲.

بر روی قبور را حرام و تخریب آن را واجب می دانند. آنان ساختن این چیزها بر روی قبور را نوعی شرک و کفر می پندارند. صغانی می گوید: «مشاهد به منزله بت ها هستند و همان کاری را که عرب جاهلی با بت های مختلف می کرد، پرستندگان قبور، امروزه با مشاهد و قبور انجام می دهند و تغییر نام، عمل را عوض نمی کنند.» به گمان آنها، ساختمان کردن قبرها، بدعتی است که بعد از عصر تابعین رخ داده و در قرون نخستین اسلامی نبوده است. آنان در این مسأله پیرو پیشوای خود، ابن تیمیه و شاگرد او ابن جوزیه هستند. از این رو آنان در چند قرن گذشته، تا می توانستند مشاهد و زیارتگاه ها را ویران کردند و حتی قبور ائمه بقیع و قبر امام حسین(ع) را نیز استثنا نکردند. آنان در تخریب قبور بقیع، استفتایی تنظیم کردند و به نزد یکی از علمای مدینه فرستادند و او در جواب چنین نوشت: «ساختن و بنا کردن روی قبرها به اجماع مسلمین حرام است و در این زمینه احادیث صحیح روایت شده و از این رو بسیاری از دانشمندان به وجوب خراب کردن آن ساختمان ها فتوا داده اند و از جمله احادیثی که راجع به لزوم خراب کردن قبور مورد استناد قرار گرفته حدیثی است که علی(ع) به ابی الهیاج می گوید: من تو را برای کاری می فرستم که رسول خدا مرا برای آن کار فرستاده : اگر مجسمه ای دیدی آن را بشکن و هرگاه قبر بلندی دیدی آن را با خاک یکسان کن. در صحیح مسلم هم این حدیث روایت شده است؛ اما موضوع مسجد قرار دادن قبرستان ها و نماز خواندن در آنها و روشن کردن چراغ، نیز به مفاد حدیث ابن عباس ممنوع است ... و اما توجه به سوی حجره نبوی(ص) در موقع دعا کردن، بهتر است که از این عمل نیز جلوگیری بشود، چنان که از کتب معتبر استفاده می شود، چون بهترین سمت ها، سمت قبله است و همچنین طواف بر قبور و بوسیدن و به طور کلی دست کشیدن به آنها اعمالی است حرام و ممنوع! و نیز ذکر خواندن و رحمت فرستادن در مواقع نامبرده همگی بدعت است و این، چیزی است که نظر ما به آن رسیده است.» آنان این فتوا را مستمسک تخریب قبور ائمه در بقیع و نیز تخریب دیگر بقعه ها و زیارتگاه ها قرار دادند؛ در پاسخ به این فتوا باید گفت:
۱. ادعای اجماع در این باره کاملاً بی اساس است؛ پیروان بیشتر مذاهب اسلامی در اعصار گوناگون این عمل را جایز می دانستند و این

امام جعفر صادق(ع) و مبارزه با انحراف فکری غلات

۳- جاحظ، رسائل جاحظ ص ۱۰۶.

۴- أسد حیدر(ره)، الإمام الصادق(ع) و المذاهب الاربعهٔ ج ۱ ص ۵۱الی ۶۲.

۵- اربلی(ره)، كشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ(ع) ج ۲ ص ۱۶۶؛ پیشوائی، سیره پیشوایان...ص ۳۵۲.

۶- مفید(ره)، الإرشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد ج ۲ ص ۱۷۹.

۷- طوسی(ره)، اختیار معرفهٔ الرجال ص ۱۳۶.

۸- همان ج ۲ ص ۵۸۶.

۹- جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه(ع)، ج ۱ ص ۲۶۰.

۱۰- نجاشی(ره)، رجال النجاشی ص ۹.

۱۱- طوسی(ره)، اختیار معرفهٔ الرجال ص ۳۸۵؛

کریمیان، سیره و قیام زید بن علی(ع) ص ۴۹.

۱۲- حرّ عاملی(ره)، وسائل الشیعۀ ج ۱ ص ۸ (اشاره به حدیث معروف که ارکان اسلام را نماز، روزه، زکات، حج و ولایت ذکر شده و مهم تر و کامل تر از همه را همان ولایت و حکومت حاکمان عادل و پیشوایان حق می دانند).

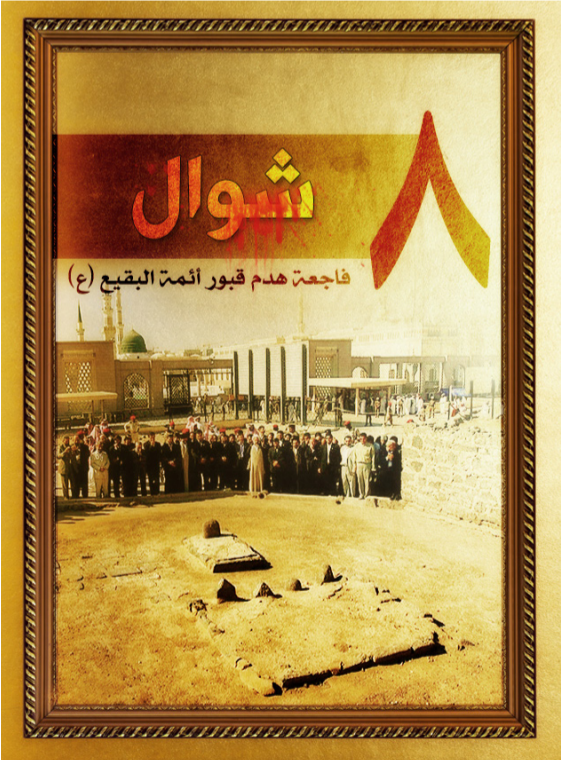
۱۳- طبرسی(ره)، اعلام الوری ص ۲۶۶؛ پیشوائی، سیره پیشوایان...ص ۳۸۹.

سیره مستمر مسلمانان بوده است. مسلمانان بر

قبور آنان که از دنیا می رفتند، بقعه می ساخته اند و نسبت به عالمان و بزرگان خود در این مسأله، حساسیت بیشتری نشان می داده اند.

۲. حدیث ابی الهیاج، حدیث ضعیفی است؛ چه این که در سلسله روایان آن، روایان غیر ثقه وجود دارند. دیگر آنکه این حدیث، به فرض صحت سند، نمی تواند ادعای وهابیان را اثبات کند؛ چون حدیث مذکور، امر به مسطح کردن قبر می کند و این که آن را همانند پشت ماهی نسانند؛ کلمه مُشرف در حدیث به معنای بلندی بیش از حد است. از این رو آن حضرت دستور داده تا قبرهای بیش از حد بلند را مساوی کنند و کوتاه کنند، نه آن که قبر را تخریب کنند! چه این که تمام مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند که می توان، بلکه مستحب است قبر بالاتر از زمین ساخته شود.
۳. درباره برخی از احادیث منسوب به پیامبر(ص) که از ساختمان ساختن بر روی قبرها و گچ کاری قبر نهی فرموده، باید گفت که سند این احادیث ضعیف است و متن آنها نیز دارای اضطراب است. نیز باید گفت: نهی اعم از کراهت و حرمت است و به فرض که این احادیث ضعف متن و سند نداشته باشند، ممکن است مقصود از آنها کراهت باشد و کراهت آنجایی است که بر ساختن گنبد و بارگاه، فایده عقلایی مترتب نباشد، وگرنه آنجا که ساختن بارگاه، از شعائر اسلامی باشد و منافع فراوان معنوی را به دنبال آورد، امر بسیار پسندیده ای است.
۴. در آغاز اسلام، مسلمانان بسیار فقیر بودند؛ برخی از آنان خانه نداشتند و بی سرپناه بودند؛ شاید نهی از ساختمان بر روی قبر ناظر به آن روزگار بوده که بسیاری بی سرپناه بوده اند، نه در دوره های بعد که مسلمانان تمکن مالی فراوان پیدا کردند و به ثروت بسیار دست یافتند.

۵. پیامبر(ص) در خانه خود دفن شد؛ اما هیچ یک از صحابه نکوشید که خانه پیامبر را ویران کند تا به حدیث پیامبر(ص) مبنی بر نهی از ساختمان بر قبور عمل کند! این نیز دلیل دیگری بر ردّ سخن وهابیان!
۶. آیا وهابیان هرگز نسبت به مصالح عظیم جامعه مسلمانان اندیشیده اند؟ آیا آنان به فکر جلوگیری از نفوذ استعمارگران در بلاد اسلامی بوده اند؟ آیا آنان در برابر نفوذ صهیونیست ها در بلاد اسلامی واکنش نشان داده اند؟ آیا این قدر که از بوسیدن قبر پیامبر خدا(ص) عصبانی می شوند، از محاصره اقتصادی کشورهای مسلمان ناراحت می شوند؟



گنبد و بارگاه ائمهٔ بقیع، گنبدهای متعلق به عبدالله و آمنه، والدین پیامبر اسلام(ص)، قبر ام البنین مادر ابوالفضل العباس(ع)، اسماعیل پسر امام جعفر صادق(ع) و حرم دختران و همسران پیامبر اسلام(ص) و حرم ابراهیم فرزند پیامبر اسلام(ص) و گنبد مالک ابن انس و عثمان نیز تخریب شد. وهابی ها ضریح فولادی ائمه بقیع که در اصفهان ساخته شده بود و بر قبور امام حسن(ع)، امام سجاد(ع)، امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) قرار داشت از جای در آورده و بردند. وهابیون از ترس عواقب کار خود، از تخریب حرم نبوی خودداری کردند. این روز بعدها به نام «یوم الهدم» در حافظه تاریخ ثبت شد. وهابیان، ساختن گنبد ، ضریح و بقعه و ...